

Date: دلتہ یونیورسٹی

Sat Sun Mon Tue Thu Wed Fri

Subject:

فقہ ۴

۱۴۰۲، ۷، ۵

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

جلد اول

منبع درس سے کتاب مفتاح الراجح تالیف مرحوم فقیر صاحب لکھی ہے

اسی کتاب مفتاح مفتاح است و حدود ۱۰۰ تا ۷۰۰ مفتاح دارد.

در این ترم از این کتاب بحث حنا را مورد بررسی قرار می دهم.

مهم ترین قسمت در بحث حنا اذیت قتل است.

ساختار کتاب مفتاح الراجح در فصل یک باب دارد و حرایب میبوی دارد و حرایب میبوی مفتاح

سؤال فصل ۱ - دیباچہ چہا پات

بحث اول: موجبات عقوبت، سبب عقوبت و نوع عقوبت کبھی کبھی

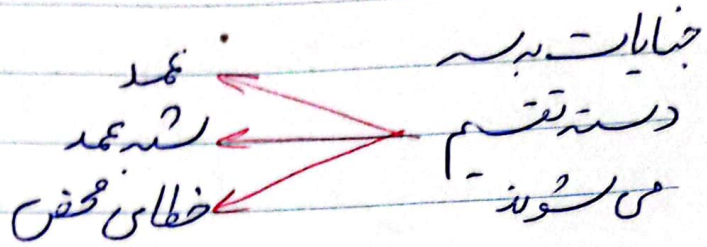
اگر مردی، فرد مومن را از روی خطایہ قتل برساند، باید یک بندہ مومن را

آزاد کند و دیری او مسلم است.

و اگر مومن را به عمد بقتل برساند، چیزی او حرام است و این چیز اجابودا

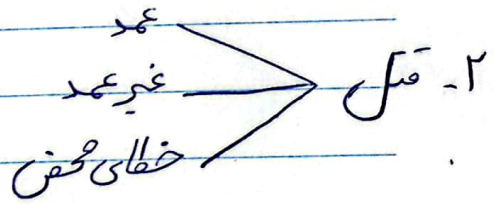
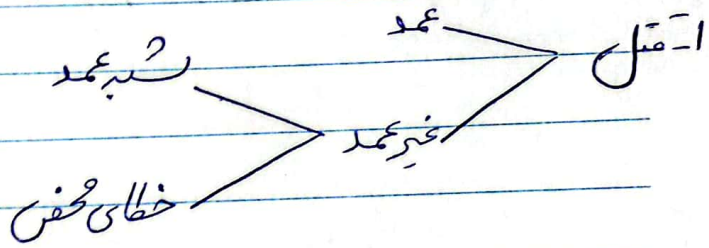
است و خدا برابر او عذاب عظیمی قرار می کند.

مقتل ۵۶۴ اقسام جنایات



مقتل ← سلب حیات از فرد دیگر بدون مجوز شرعی یا قانونی
 قتل عمدی ← سلب عمدی حیات از فرد دیگر بدون مجوز شرعی یا قانونی

قانون مجازات ۲ نوع دسته بندی ارائه داده است برای قتل



این ماده همانند فقره ۱ قسم بندی کرده است

م ۲۸۹ ← جنایت بر قسم است ۱- عمد ۲- غیر عمد ۳- خطای محض

در جایی دیگر گفته

م ۱۴۵ ← در جنایات غیر عمدی اعم از سبب عمده و خطای محض

ضابطه‌ی قتل عمد چیست؟ فقرا مصادیق را گفته اند قانونگذار

۱۴۰۲، ۷، ۵

Date: / /

Sat Sun Mon Tue Wed Fri

Subject: /

قاعدہ ہے غالباً حکم شرعی را بیان می کند و قاعده مد

ضابطه ہے حدود موضوع را مشخص می کند و قاعده از مرتب، عالم را به

همسایه ها بنویسد یعنی در اینم همسایه کیست؟

از روایات حدود موضوع را در من آوردم و می فهمیم همسایه
مثلاً ده خانه از هر طرف است.

هر جایی مانع ندارد تصدیق کرده که یک عمل حرام است و مجازات دارد

و صرف حرام بودن یک فعل، جرم محسوب نمی شود و قاعده لغت است که حرام اولی
جرم نیست

بر مبنای عنصر

مترکب: هرگاه جرم در یک ماده و مجازات در یک ماده دیگر
مطرح شده باشد جرم مترکب است مثل جرم قتل

قانونی، جرائم اجزور است

ساد و بسیط: هرگاه جرم و مجازات هر دو در یک ماده
بیان شده باشد جرم بسیط است مثل جرم کلاه برداری

ضابطه قتل عمد چیست؟ یا درجه مواردی قتل، عمدی محسوب می شود؟

قتل را به اجزور تقسیم می کنیم یا می گوئیم

جنایت عمدی ← محض
→ ادانه توضیحات صفحی بعد
در حکم عمد

۱۱۹۲، ۷، ۵

در مدح جناب علی بن ابی طالب
عجل الله فرجه

Sat Sun Mon Tue Wed Fri

Subject: _____

مقد فعل - مقصد نتیجه

مخفی ← زمانی که ترتیب هم مقصد فعل دارد هم مقصد نتیجه دارد

جنابیت عظمی

امامت منوارت با احکام مستدک

مقد فعل دارد + مقصد نتیجه ندارد + رفتار نوعاً گذشته است

در علم عجم - ترتیب مقصد فعل دارد مقصد نتیجه ندارد (افارفتار)

نوعاً گذشته است - ترتیب بدانند که این رفتار نوعاً گذشته

در زمانیکه که امامت

بوده است

مقارن دانسته باشم

ولی احکام مستدک دانسته باشد

(فقط مجازاتش با هم مستدک است)

جلسه دوم

۱۴۰۲، ۷، ۱۲

بند الف ۲۹۰ ← مرگاه ترتیب با انجام کاری، مقصد ایراد جنابیت مقصد نتیجه

بیرزد یا افرادی معین و در عمل نیز جنابیت مقصد یا تفسیر آن واقع شود نقل مقصد نتیجه است

خواه کار ارتکابی نوعاً موجب وقوع آن جنابیت یا تفسیر آن بود خواه شود تفاوت معرف با هویت

اگر به غیر معین خورد، چون مقصد فعل دانستم نه مقصد نتیجه این خفاي مخفی است

مثال: فردی خواسته به پیونده خرید به استیفاء به آن خورد و وفوت کرده

در معرف، هویت برای رسماً آن کار است اما تیروان به هدف من خورد

۱۲/۶/۱۴۰۲

Date: / /

Sat Sun Mon Tue Wed Fri

Subject: -----

لذا اگر استباه در وقت بود قتل خطای محض است زیرا نه قصد نتیجه

داشت و نه قصد هدف

در هویت (مثلاً به جای شخص اصلی، نَدَل او را بکُشیم اینجا استباه در

هویت است که قتل عمد محسوب می شود چون هم قصد فعل بوده و هم

عقد نتیجه داشته است

قتل از جرائم مقید به نتیجه است - جرم مقید، جرمی است که تا نتیجه حاصل

شود مجازات برای آن مترتب نمی شود.

وقتی عقد نتیجه حاصل شد در حال چه عذر را ترا سنده باشد چه نردنش را الله

تابسد در این جا وقتی عقد نتیجه حاصل شد قتل عمد محض محسوب می شود

و وقتی عقد نتیجه احراز شد ...

عقد نتیجه - احراز شد - قتل عمدی است

احراز نشد - قانون گذار ضابطه ای دلیلی

عنوان کرده که قتل در حکم عمد محض است.

فرد عقد زنی را می کشد و قصد نتیجه ندارد - رفتار نوعاً کُنده است

ضابطه اول ضابطه دوم ضابطه سوم ۵

۱۳۲۷/۱۲

Date: / /

Sat Sun Mon Tue Wed Fri

Subject: _____

ضابطه اول سے فرد قصد رفتار مجربانہ دارد
 بہ طور مثال: معلم بہ قصد تادیب دانش آموز را تک زدہ و او عوت کردہ است
 در این جا قصد فعل دانستہ اما قصد نتیجہ ندانستہ اما رفتار معلم بہ مثلاً باصندلی
 بہ سر دانش آموز زدہ نوعاً کُندہ بودہ ہے در حکم عمد محسوب می شود
 پس در اینجا باید رفتار را دید کہ اگر نوعاً کُندہ باشد عمد و اگر ناپدید در حکم عمد
 محسوب می شود هر چند حتماً باید مرتب بدانند کہ این رفتار نوعاً کُندہ بودہ و باید
 این مورد روشن شود.

در توضیح مثال عقوبت ← وقتی اولیاد دم می گویند معلم قائل است مدعی هستند
 معلم می گوید من عن دانش ام این پرست کردن صندلی موجب مرگ دانش آموز می شود
 در این جا اصل بر عدم است و مدعی کہ اولیاد دم هستند باید ثابت کنند کہ
 معلم می دانستہ کہ این فعل او نوعاً کُندہ است

هر جا شک کردیم مرتب بپرسیم اصل آگاہ است یا عدم آگاہی
 باید اصل بر عدم آگاہی باشد.

در این جا قول مرتب سے مبنی بر عدم آگاہی معتبر است
 و اولیاد دم باید ثابت کنند کہ معلم آگاہ بودہ و نسبت بہ نوعاً کُندہ

Date: ۱۲، ۷، ۱۴۰۲

Sat Sun Mon Tue Thu Wed Fri

Subject:

بودنش آگاه بوده و بعد از اثبات آن حکم قتل در حکم عمد محسوب می شود

و اگر او پس از آن نتواند ثابت کند که عمد محسوب می شود.

مردی که یکدک قویش مخالف با ظاهر و منکر قویش موافق با ظاهر است

مردی که یکدک قویش مخالف با اصل است

منکر که یکدک قویش موافق با اصل است.

هر وقت در هر حادثه شک کردیم ← اصل بر عدم است.

مذموم ۲۹۰ ← هرگاه مرتکب قصد ارتکاب جنایت وارد شده

یا نظر آن را نداشته و کاری را هم که انجام داده نسبت به افراد متعارف

کار نوعاً گذشته نسبت

نوعاً موجب

اما نسبت به چنان علییه نوعاً گذشته محسوب می شود.

در این جا این نوع قتل هم در حکم عمد محسوب می شود.

مثال: معلم، دانش آموزی را با توجه به اینکه آگاه بوده که او مشکل قلبی

داشته، او را مجبور به دویدن در زمین می کند و او فوت می کند حال رفته

نوعاً گذشته نیست، اما در خصوص این دانش آموز نوعاً گذشته او معلم

۱۲، ۷، ۱۳۹۲

Date:

Sat Sun Mon Tue Wed Fri

Subject:

با علم و آگاهی به این مشکل دانش آموزان را مجبور به دویدن کرده هر چند
عقد گشتن اورانداست اما در حکم عمد محسوب می شود اگر آگاهی نداشته
در حکم شبه عمد است.

۱- قصد فعل هست ← قصد نتیجه دارد ← قتل عمد

۲- قصد فعل هست ← قصد نتیجه ندارد ← رفتار نوعاً گنده او مرتکب

آگاه است ← در حکم عمد
اگر آگاه نبود ← در حکم شبه عمد

۳- قصد فعل هست ← قصد نتیجه ندارد ← رفتار نوعاً گنده نسبت ولی

نسبت به معنی علیه به خاطر شریک
خاص جسمانی یا مکانی و غیره نوعاً
گنده است اگر آگاه بود ← عمد
اگر آگاه نبود ← شبه عمد

۴- قصد فعل هست ← قصد نتیجه دارد ← اما فرد یا کسی خاص مورد تقاضا نیست

مثال: فردی را در خودرو می شود و با اسلحه به
مرگش شلیک می کنند
در حکم عمد است و مجازات
قصاص است.

۱۳۹۲، ۷، ۱۲

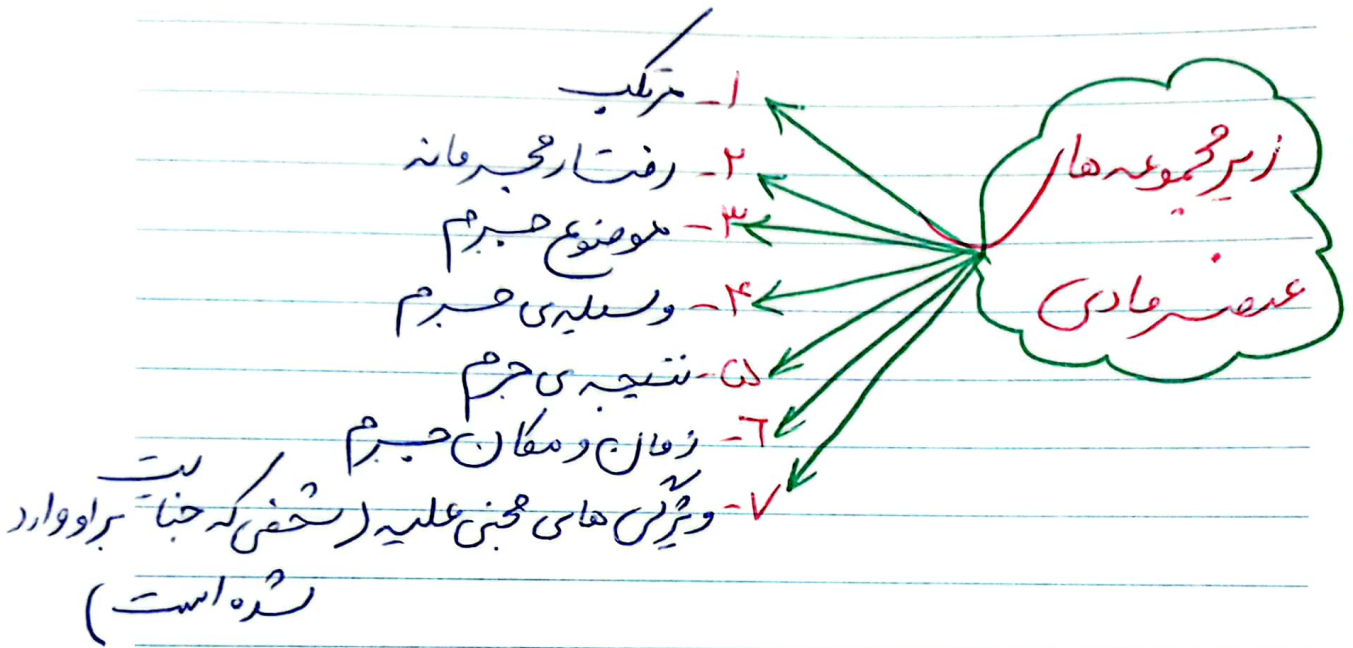
Date: / /

Sat Sun Mon Tue Thu Wed Fri

Subject: _____

عقود قانونی جرم درم ۱۹۰ ق.م.ا ← عقود قانونی فقط عرفی است

عقود عادی ← مجلی خارج آن رفتار مجرمانه است → عقود عادی در خارج اتفاق بیفتد

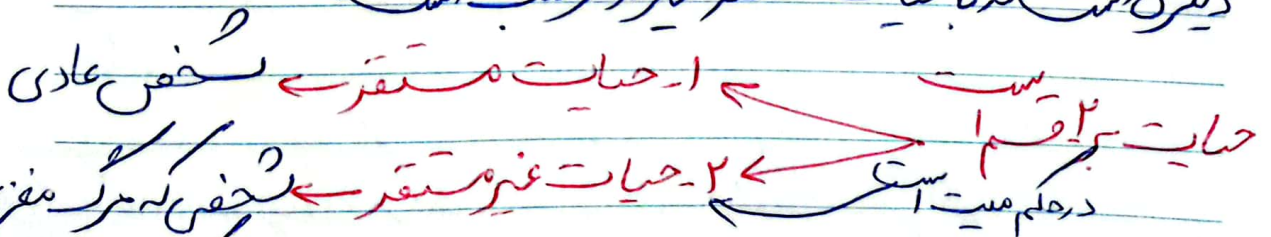


۳- موضوع جرم

چیزی که عمل مجرب بر آن واقع می شود ← یا ارزشی است که قانونگذار

تعدی و تجاوز به آن را جرم می داند. مثلاً در جرم قتل عمد ← موضوع انسان زنده

دیگری است که با حیات مستقر غیر از ترکیب است



پس جنایت بر چنین کسفی محسوب نمی شود و باید در مرتبه دیگر
و تعزیر شود

Date: ۱۹/۷/۱۴۰۲

Sat Sun Mon Tue Thu Wed Fri

Subject: -----

جلب

اگر فردی اسید خورد و فوت کرد استنجا قتل محسوب نمی شود زیرا موضوع جرم قتل باید یکی غیر از مرتکب باشد.

آیا خود زنی یا خود مجروح کردن اصولاً جرم است؟ م ۳۰۴ ق ۱۰۴

خود زنی اصولاً جرم نیست اما استنجا جرم است قلاً فردی برابر مرتکب از جهت سر بازی خودش را زخمی کند بنا بر این خود زنی و یا خود مجروح کردن اصولاً جرم نیست اما استنجا جرم است و جاهایی جرم است که به آن تصریح نشده باشد.

آیا آموزش خود زنی و خود مجروح کردن جرم محسوب می شود؟

بله از نظر قانون جرم محسوب شده و مجازات (جزای نقدی، یک روز تا یک سال حبس یا هردو) دارد مثل تسوین شخصی؟ خود کشی

م ۱۵ قانون جرم رایبندی ← اگر از رافع مسئولیت نیست، اجبار رافع مسئولیت است

ارکان عنصر مادی ← مرتکب

← رفتار مجرمانه

مرتکب

یکی از ارکان عنصر مادی مرتکب است. آیا برای ارتکاب جرم عمدی مرتکب جرم باید شرط یا ویژگی خاصی داشته باشد؟ در مرتکب هیچ شرط خاصی وجود ندارد یعنی

۱۹، ۷، ۱۴۰۲

Date:

Sat Sun Mon Tue Thu Wed Fri

Subject:

حرف ذی می تواند مرتب باشد چه فکده، چه صغیر، چه مضطر و چه کجیون و کجور
باشد پس مرتب برابر ارتکاب قتل عمد است و خاص مدنف است در بقیهی جرائم
هم همینطور است. مثلاً پدر، فرزند را، قتل می رساند پدر مرتکب قتل شده اما قصاص

عنی شود. محمد صبی لفظی فعلی که صبی انجام می دهد در علم خطا است.

۲- رفتار مجربانه

رفتار مجربانه در هر چیزی به موجب قانون مشخص می شود

۱- جوار جرائم دارم ← برخی جرائم فقط با فعل محقق می شود (مثل سرقت)

برخی جرائم با فعل یا ترک فعل محقق می شود (مثل

~~ترک ففقه~~ ترک ففقه با ترک فعل محقق می شود)

برخی جرائم هم با فعل و هم با ترک فعل محقق می شود (مثل قتل عمد مثلاً برستار

که شکی نیست و وظائف را به موقع انجام ندهد و ترک فعل هم انجام دهد و با

ترک طرف مقابل شود.

یا در معاونت در جرم مثلاً نلها بن کدریک یا کیند هست به فرد دلیلی می لودین

دور سنخ را چک نمی کنیم تا شخص دلیلی را حدت بواند ما سن دلیلی را بر باید

۱۹، ۷، ۱۴۰۲

Date:

Sat Sun Mon Tue Thu Wed Fri

Subject:

جرم قتل عمد از جمله جرایم است که هم از طریق فعل و هم ترک فعل است

فعل

هر حرکت بدنی که تجلی خارجی داشته باشد مثل حرف زدن

آتش زدن / میوه خوردن

مستقیم

(۱) اصابتی (مادی)

فعل به ۲ دسته

تقسیم می شود

غیر مستقیم

غیر اصابتی (غیر مادی)

عقد اخذ و ترکش به بدن دیگران بخورد

(۱) فعل اصابتی

فعلی که به صورت مستقیم و غیر مستقیم بر بدن چیزی عیب اصابت کند

و صدعاتی به همراه داشته باشد (چیزی که به بدن بخورد) مثل ایراد ضرب و جرح

پس اصابتی حتماً به بدن برخورد می کند چه مستقیم و چه غیر مستقیم

(۲) فعل غیر اصابتی

ترک فعلی انجام داده اما به عیب اصابت نمی کند مثل تهدید مثل ترساندن شخص یا سلب رایبسمت خانم باردار سیرد و زن باردار از ترس سقط جنین کند در غیر اصابتی هیچ برخوردی نیست

فعل معنوی

برابر فعل معنوی در قانون هیچ مثالی در نظر گرفته شده است

۱۴۰۲، ۷، ۱۹

Date:

Sat Sun Mon Tue Wed Thu Fri

Subject:

نکات مهم در خصوص ماده ۱۰۴ ق.م.ا

۱- این ماده فقط از طریق فعل انجام می شود - قتل کشیدن سلاح - فریاد کشیدن

۲- اعمال ارتکابی در این ماده تمثیلی است نه تخصیصی از باب سوال است
محقق در این موارد نیست قلاً شهادت دروغ دادن و باعث ترس کسی کردن

غیر اصابتی غیر عادی است.

* ویژگی خاص برای تحقق جرم شرط نیست جوهر جنسی که باعث ایجاد هراس

شود مقرر نمی کند تفنگ بایند انداختن در قفس شیر یا سنگ فرستادن به جهت کسی

* وقوع هراس یا وحشت در اثر فعل ارتکابی ضروری است هراس حلقه ای است

فعل را به نتیجه می رساند - ترس باعث ارتکاب قتل می شود قلاً سنگ را به سمت

کسی می فرستند و اول ترس باعث ترس می شود و نه خود سنگ به تنهایی

آیا جرم قتل عمدی از طریق ترک فعل جرم انجام می شود یا خیر؟؟؟

بسیخ فقها در این خصوص اختلاف نظر وجود دارد! برخی گفته اند محقق نمی شود

اما برخی دیگر گفته اند محقق می شود و قانون هم می گوید محقق می شود اما به شرط

شرط دارد: م ۲۹۵ ق.م.ا

شرط اول

تکلیف و انجام فعلی از سوی مرتکب نسبت به مجنبی علییه وجود داشته باشد
(خواه منشاء تکلیف قانون باشد یا قرارداد یا هر چیز دیگر مثل تعهد ادبیه) مهملو

شرط دوم

خود داری شخصی از انجام تکلیف در صورتی که توانایی انجام کار را داشته باشد
در فعلی را می توانسته انجام دهد اما انجام نداده است (مثلاً زنی با بیمارستان
قرارداد بسته که قلب عمل کند اما اگر کسی دستش بکند و به بیمارستان بیاید و این
دکتر عمل نکند و فرقی نکند این پزشک مسئول نیست)

شرط سوم

احتراف از القابی بسبب سین ترک فعل و حرکت (حرکت ناشی از ترک فعل بوده)

این سه مورد خلاصه این سه شرط شامل

- ۱- تکلیف
- ۲- قرارداد
- ۳- رابعی بسبب

ماده ۲ خود داری از لمد به مصدرین (ماده واحده) رفع خطا جان

در شخص یا اشخاصی را مشاهده کنند در معرض خطر جان باشند و بتوانند با
اقدام خود یا کمک گرفتن از موقع خطر یا تدبیر نتیجه ای آن جلوگیری کنند به
حسن جنس تا یک سال تا جزای نقدی ۵۰ هزار ریال محکوم خواهند شد

۱۹، ۷، ۱۴۰۲

Date: / /

Sat Sun Mon Tue Thu Wed Fri

Subject: _____

نکات حائز اهمیت درباره‌ی این ماده واحد

۱) **حجم** موضوع این ماده مطلق است و مقید به نتیجی نیست. لازم نیست حرف

حتما بمبرد تا شمارا مجازات کنند. شما بابتک فعل شامل مجازات می شود.

۲) **شروع** دلیله این است که ترتیب در وقوع وضعیت (در معوض خاطر جاننی قرار گرفتن)

هیچ نقیسه نداشته باشد (مثلا اگر با جواب به سرگمی زدی و بی هوشی شد و رفتی و

اینجا مجازات می شوی برای حجم خودت، ولی اگر شخص دیگری باشد و شخص

بی هوش را ببیند و به او کمک کنند این ماده مجازاتش را شامل می شود.

۳) **حجم** موضوع این ماده (خودداری از امداد و نجات) **حجم** صرف است و انگیزه

مرتکب، یا انگیزه‌ی خودداری کننده عمد یا بی توجهی او موثر در محکومیت نخواهد بود

*** تفاوت این خودداری از کمک به مصدر من با فعل عمدی ناشی از ترک فعل مفرد**

حتما باید سوئیت داشته باشد و اینجا سوئیت هیچ تأثیری ندارد و همین که کمک

نکردن هر انگیزه‌ای باشد مجازات دارد. **در ترک فعل سوئیت مرتکب باید اصل در محکومیت است**

۴) **سبب** جنسیه وضعیت منتهی موضوع ماده واحد نبوده باشد در فعل عمدی انتساب

است اینجا انتساب شروع نیست همینکه خودداری کردی محرم هستی. ۱۵

مهم ترین موارد قتل عمد از طریق ترک فعل چیست؟ یا مصداق قتل
 عمد از طریق ترک فعل

۱- خودداری از رسیدادن طفل به قصد سلب حیات

۲- خودداری از دادن دارو یا غذا به قصد سلب حیات

۳- خودداری مأمور از تحویل لباس یا غذا به قصد سلب حیات زندانی

۴- خودداری عمدی نجات غریق

قتل ایک غریق نجات هستی ولی تکلیف نداری برای غریق نجات، قتل بودی

دیگر است اگر در استخر کسی غرق می شود از تو کمک بخواهد نجات ندهی ماده ۲

واحد شامل مجازات می شود و قتل عمد محسوب نمی شود اما اگر غریق نجات باشی

و در استخر تکلیف داری اینجا قتل عمدی شود.

★ **آلاف بالمباشرة** ← فقط از طریق فعل است بر مبنای مسئولیت مطلق
 مطلقاً ضامن هستیم.

★ **آلاف بالتبیت** ← هم از طریق فعل است و هم از طریق ترک فعل
 مبنای ضامن است و ما زمانی مسئول هستیم که تقصیر داشته باشیم و تقصیر ما
 ثابت شود.

۱۴۰۲، ۸، ۳

Date: / /

Sat Sun Mon Tue Thu Wed Fri

Subject: _____

پس در صورتی که این سه شرط وجود داشته باشد: ۱- تکلیف ۲- قرارداد ۳- رافعہ
سبب
هرگز کفعلی که محسب برسد و قتل عمد محسوب می شود

۱۴۰۲، ۸، ۳

جلب چهارم

وسیلہ

وسیلہ در حقوق جرم قتل عمدی هیچ موضوعیتی ندارد و با هر وسیله ای می توان از دیگری سلب حیات کرد
در جلبی قبل در نوعی از قتل عمدی از اصطلاح انجام رفتار نوعاً کُنده استفاده کردیم
این نوعاً کُنده بودن این صورت نیست که همیشه کُنده باشد و بایستی نوع وسیله
و قسمتی که مورد آسیب قرار گرفته را بررسی کرد.

مثلاً منفی کردن یک ترفه نوعاً کُنده نیست و کذب منفی کردن نارنجک نوعاً
کُنده است، پس وسیله هیچ موضوعیتی ندارد و قتل می تواند با هر وسیله ای باشد
مثل چاقو، خفه کردن، اسلحه و...

نتیجه → یکی دیگر از عناصر عضو فاعلی

نتیجه در جرم قتل عمدی (سلب حیات) است، قتل چیزی جز این نمی تواند باشد
نتیجه است.

* م ۱۹۲ ق ۱۰۴ ← جنایت در صورتی موجب قصاص یا دیه است که نتیجه ای
حامل مستند به رفتار مرتکب باشد...

در جرائم که مقید به نتیجه هستند مثل قتل و سرقت ارتکاب عمل و تحقق نتیجه کافی نیست و عملاً باید رابطه سببیت هم باشد

بخش از رکن مادی، همین رابطه سببیت است. عمل ارتکابی و نتیجه حاصله می باشد پس رابطه سببیت فقط برای جرائم است که مقید به نتیجه باشند.

نکته حائز اهمیت اینست که...

اگر ما از نظر فقهی و حقوقی کسی را در وضعیت حیات غیر مستقر هم قرار بدیم در حکم قتل است. مثل فردی که در کما است یا بزرگ مغزی پیدا کرده است

عاده ۳۷۲ ق.م.ا ← هرگاه کسی آیسې به شخص وارد کند به گونه ای که

وی را در حکم مرده قرار دهد و تنها آخرین رفیق حیات در او باقی بماند در این حال دیگری با انجام رفتاری به حیات غیر مستقر او پایان دهد نفر اول قصاص می شود و نفر دوم به مجازات جنایت بر میت محکوم می گردد.

بنابراین

حیات غیر مستقر یعنی وضعیت کسی که مغز و قلب و ریه ها را دارد ولی باز نیست او محال است چنین کسی در حکم مرده است و صدقه بر او در حکم جنایت بر میت است.

زمان و مکان - یک یک دیگر از عناصر تشکیل دهنده ی عنصر مادی

آیا زمان و مکان در تحقق جرم قتل عمدی تاثیر دارد؟

هیچ تأثیری ندارد، باید در مجازاتش تأثیر نگذارد اما زمان و مکان در تحقق جرم قتل عمدی هیچ تأثیری ندارد

↓ برای درک بهتر مطلب ↓

کتاب اصولی ↓

هرگاه متعلق علم معین است، آن علم تفصیلی می گویند اما اگر متعلق علم، معلق بین دو چیز باشد، آن علم اجمالی می گویند.

علم تفصیلی دقیقاً همانند علم اجمالی است و موافقت قطعیه با آن واجب است و مخالفت قطعیه با آن حرام است.

مثلاً می دانیم یک لیتر از دولیوان نجس است (خون در آن ریخته شده) ولی نمی دانیم

کدام لیوان است، اما علم داریم که خون در یکی از این دو لیوان ریخته شده است.



هر جا علم اجمالی داریم احتیاط واجب است.

در این حالت کار می توان انجام داد:

(۱) هر دو را ترکیب کنیم ← مخالفت قطعیه

(۲) اگر یکی را ترکیب کنیم ← ترجیح بلا مرجع

(۳) هیچ کدام را ترکیب نکنیم ← موافقت قطعیه ← یعنی احتیاط

۱۱۹۲، ۱، ۳

Date:

Sat Sun Mon Tue Wed Thu Fri

Subject:

مثال: زود و بعد به صورت مشترک علی را بقتل رسانند، در این جا بکس با
 خوب زده و بکس با چاقو، بزرگتر قانونی شخص می دهد قتل به خاطر ضرب به چاقو
 بودن، ولی قاضی نمی تواند کُف کند کدام یک با چاقو زده اند، در این جا نمی توان
 هر دو را قصاص کرد و گرانیک بزرگتر قانونی نتواند شخص دهد که مرتکب به خاطر

چاقو بوده یا خوب. → باب بحث اصولی

ادامه بحث ما

✓ پس گفتیم زمان و مکان در وقوع قتل عمد تأثیری ندارد، شاید در مجازاتش
 تأثیر داشته باشد.

مثلاً وقتی در راه حرام، کاری انجام بدی، مجازاتش مثلاً تغلیظ می شود به طور مثال

۱/۳ به دینه قتل امانه می شود ← ۴ ۵۵۵ ق ۱۰۴ و ۴ ۳۸۵ ق ۱۰۴

تغلیظ دینه می مخصوص قتل نفس است و بر جنابیت بر سایر اعضاء... جاری نمی شود

مثلاً دست کسی را در راه حرام قطع کنی ← تغلیظ دینه صورت نمی گیرد

✓ در حکم تغلیظ دینه می فرقی بین زن و مرد و کبیر و بزرگسال و مسلمان و کافر وجود ندارد
 و در هر حالی دینه تعلق می گیرد

بنابراین

✓ پس هر کجا قرار شد دینه قتل عمدی که در راه حرام صورت گرفته پرداخت شود به آن
 مقدار دینه ۱/۳ اضافه می شود و فرقی بین زن و مرد و کوچک و بزرگ وجود ندارد.

آیا سقط جنین مشمول تغلیظ دیه می شود یا خیر؟

بعد از ولوج روح، تغلیظ دیه شامل دیه سقط جنین می شود.

اگر لازم شد عاقله یا سبب المال هم دیه را باید داد باید تغلیظ صورت بگیرد.

و به دیه $\frac{1}{3}$ اضافه شود ← حتی دیه ار هم که معالجه بشود در ماه حرام مشمول تغلیظ می شود

ویژگی های مجنی علیه ← یکی دیگر از عناصر تکمیل دهنده عنصر مادی

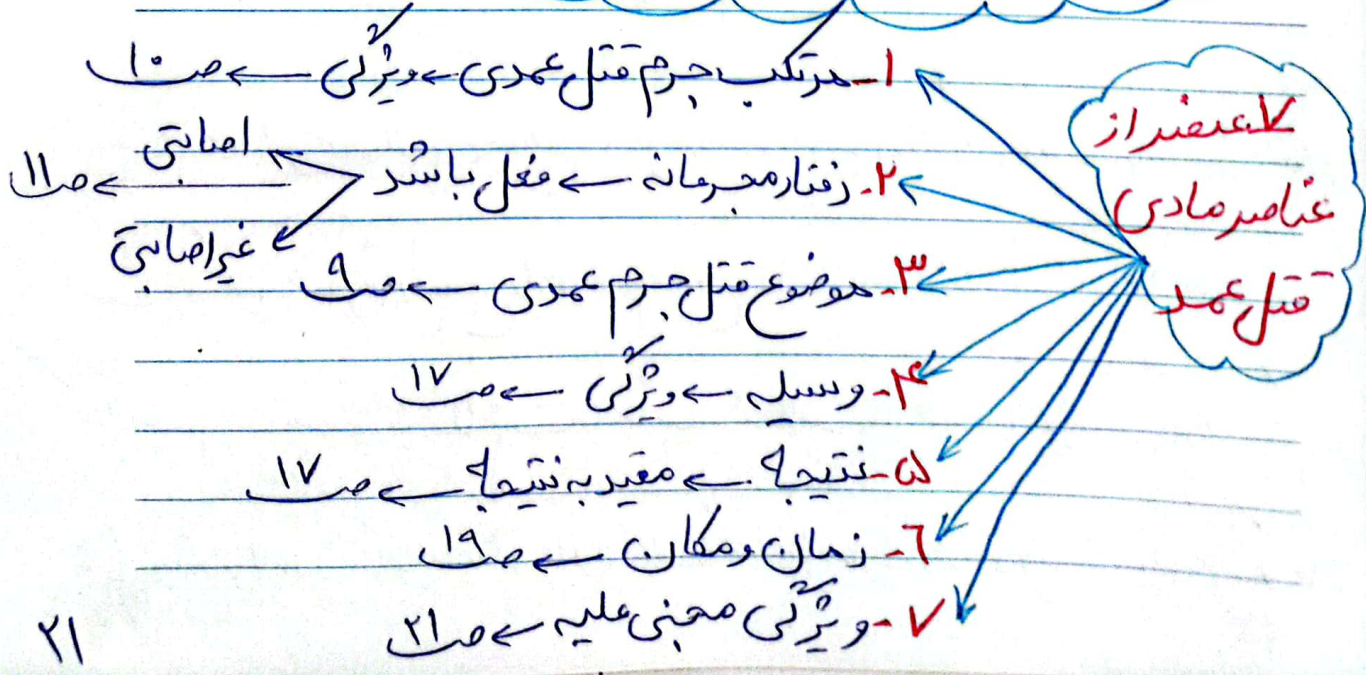
آیا در مجنی علیه قتل عمد، ویژگی خاصی شرط است؟

غالباً شایسته، مگر آنکه هر قرض خاص داشته باشد و ویژگی خاص داشته باشد

به طور کلی شخصیت مجنی علیه در تحقق قتل عمدی بی تأثیر است و باید در مجازاتش

تأثیر بگذارد و نکته شخصیت مجنی علیه در تحقق قتل عمد تأثیری ندارد

جمع بندی مکرر عناصر مادی قتل عمد

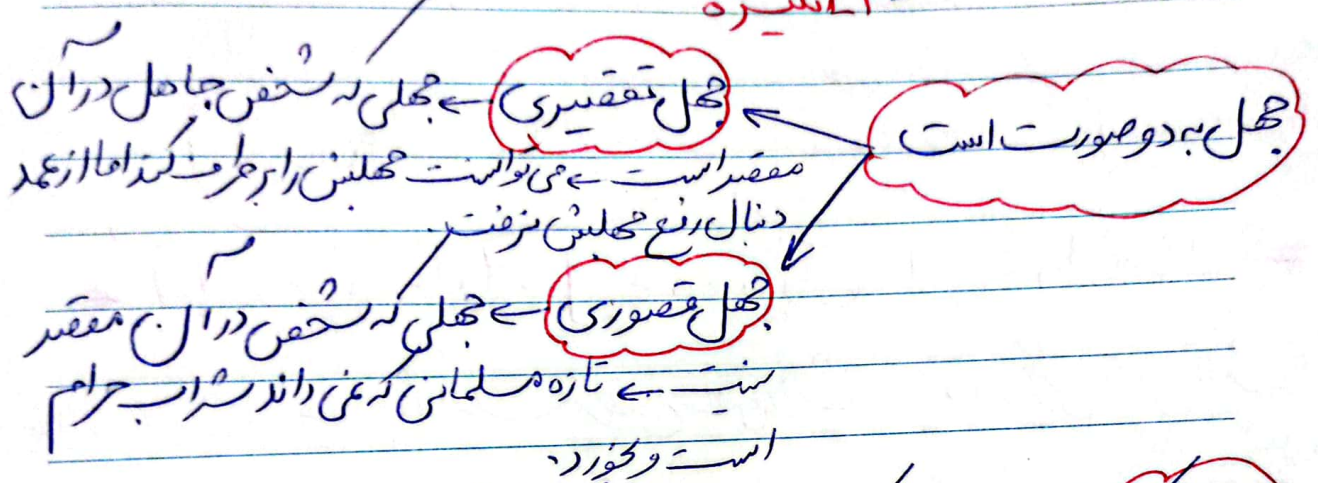
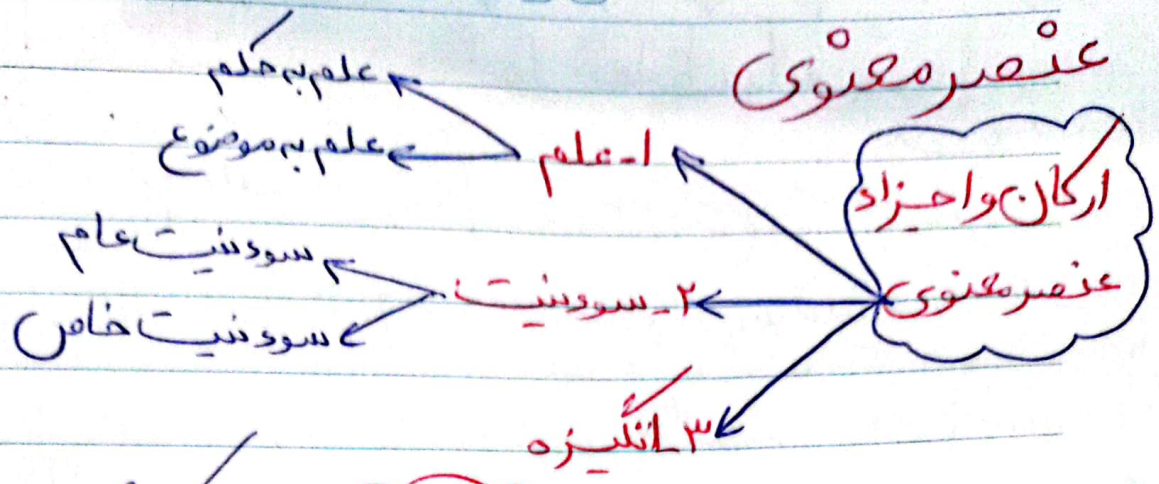


۱۴۰۲/۱/۳

Date: / /

Sat Sun Mon Tue Thu Wed Fri

Subject: -----



جمل به حکم ← این معنای شخص از حکم یا قانون آگاه نیستند یا می دانند که در اسلام نوشیدن شراب حرام است و آن را مرتکب شود

۱۴۰۲/۸/۱۰ جنبه پنجم

کتاب قصاص رو از روی مفاتیح خود مال باید خوانیم در امتحانی ای که صحبت استنباطی است. پیش از مفاتیح را خوانیم مفاتیح ۵۲۴ ← در باب اقسام جنایت که گفتیم جنایت یا عمد است یا شبهه عمد است یا خطای محض است و گفتیم که عمد فعل است که جنایت با آن غالباً حاصل می شود در این جا فرض بر ۲۹۰ (مبارک)

۱۰، ۱۱، ۱۲

Date:

Sat Sun Mon Tue Wed Fri

Subject:

بند بارہ

ق.م. ۱. راہی لود۔ باید عقد فرم معنی راہم داشتہ باشد و با فعلی کہ انجام داد۔

عقد جنابت داشتہ باشد یا ذلتہ باشد۔ معنی اگر انبار کُندہ باشد احتیاجی بہ

بررسی ~~نہ~~ عقد نسبیہ نداریم۔ مثلاً اگر فرزندی را از عقبہ ہی ہفتیم بہ بائین برت کند

این کار، کُندہ است و نیازی بہ بررسی نداریم۔ یا غسل پریدہ یا سہ یا سہم خوردن یا

کُتبتہ آن۔ قتل کُتبتہ۔ آن قتل یا فعلی است کہ با آن قتل بہ صورت نادر صورت

می گیرد یا احتمال بین دو امر باشد معنی یا نادر باشد یا بہ طرفی کہ عقد جنابت

نداشتہ باشد۔ خطای محض رو ہنوز تلفتیم

عنوان صفحہ ۵۶۵۔ دیکہ و کفارہ۔ قتل عمد باعث قصاص است و در قتل عمد دیکہ

ثابت نمی شود و در صورت صلح آن ہم بہ خاطر آیات و روایات و یک تفہیم

من آورد۔ جب قصاص را از روی مفاتیح خوانسیم۔

عصہ فادی۔ لا عصہ داشتہ تلفتیم
عصہ معنوی۔ این حلبہ می بردازیم
عصہ قانونی۔ این را تلفتیم

ارکان عنصر معنوی

- ۱۔ علم بہ حکم
- ۲۔ علم بہ موضوع
- ۳۔ سود نیست عام
- ۴۔ سود نیست خاص
- ۵۔ انگیزہ

ارکان عنصر معنوی حرم عمدی چیست؟

① علم به حکم

اصل بر اینست که وقتی قانونی منتشر شده از آن آگاه هستند

علم به حکم در چیست یعنی چه؟ یعنی اینکه فرد بداند قتل به عمد جرم هستند

سلب عمدی حیات از دیگری جرم هستند

اصل بر اینست که به طور مثال همی اشرفی اصفهانی در ایران می دانستند که جرم قتل

عمد جرم است

آیا ادعای جمل به حکم در ایران پذیرفته می شود؟؟؟

جمل به حکم مانع از مجازات نیست.

جمل بر دو قسم است: ۱- جمل تفسیری ۲- جمل قصوری

جمل تفسیری یعنی جملی که ناشی از کوتاهی و تقصیر خود مرتکب باشد.

جمل قصوری یعنی جملی که خارج از توان مکلف است یعنی مثلاً کسی که از دریا بانبار

در دریا، دزدان دریایی اسیر کنند یا کینه سال در زندان عراق بوده و بعد از

آزادی در ایران جرمی مرتکب می شود که قبل از آن سال آن فعل جرم نبوده در این جا این

جمل قصوری است یا جمل شرعاً عذر محسوب شود مثل اینکه کافری به تازی

مسلمان رنده و فرزای آن روز شراب بخورد یا گوشت خوک بخورد در این جا

اگر بگوید نمی دانستم عذر شرعی دارد.

۱۴۰۲ / ۸ / ۱۰

Date: / /

Sat Sun Mon Tue Thu Wed Fri

Subject: -----

اصل بر آگاهی است و اگر کسی ادعای جهل کرد خود مرتکب باید ثابت کند.

به طور مثال در قتل، اولیاد دم می گویند این جزو می دانسته این کار حرام است و

قابل می گوید من نمی دانستم در این حال اولیاد دم ← مدعی علم مرتکب ← قول موافق
مرتکب ← مدعی جهل ← قول مخالف
← مدعی عدم علم

در این جا اصل با اولیاد دم موافق است لذا در این مثال مرتکب باید جهل خود را ثابت کند زیرا قول مخالف بر خلاف اصل است و تقسیم که اصل بر آگاهی است

و وقتی اصل بر آگاهی است هر کس مدعی عدم آگاهی است باید ادعایش را ثابت کند.

پس جهل به حکم اصولاً مشروع نیست مگر آنکه جهل قصوری است و باید ثابت کند و لیکن قتل که مرتکب شده عمدی است و سبب عمد و خطایی می شود.

(۲) ← علم یا موضوع

علم به موضوع ← انسان زنده با حیات مستقر غیر از مرتکب

پس وقتی در قتل می گوئیم علم به موضوع ← مرتکب باید بدانند عملش بر روی

انسان است (۱) و انسان زنده است (۲) و انسان دارای حیات مستقر است و غیر از (۳)

خودش است (۴) مثلاً سیر می زند و قدر می کند به بای خودش می زند ولی به دیگری بزند این فعل عمدی
(۵) محسوب نمی شود مگر خودکشی که قتل محسوب می شود و باید فعل سبب حیات را از دیگری ببرد ۲۵

۱۰/۱۱/۲۰۱۴

Date:

Sun Mon Tue Thu Wed Fri

Subject:

آیا اصل پر این است که اشتقاق بر موضوع آگاهند یا جاهلند؟

م ۱۴۰۴ ق ۴۰۱ اے در حقوق جرائم عمدی علم ترتیب به موضوع حکم باید محرز شود

یعنی باید ثابت کنیم که طرف آگاه بوده یا حیث مستقر دارد یا غیر از خودش است

در قتل عمدی باید محرز شود که مرتکب آگاه بوده پس اصل بر این است که طرف

آگاه بوده است - در این جا اگر ادعای جهل کرده جهل پذیرفته می شود برخلاف

جهل به حکم در جهل به موضوع، ادعای جهل پذیرفته می شود ولیکن در این جا باید مرتکب

ثابت کند که نسبت به موضوع جهل داشته است - مرتکب محلاً باید جهل را

ثابت به انسان بود یا حیوان - مستقر بود یا زنده بودن یا غیر خودش بودن

نسبت کن دنا ^{جهل پذیرفته شود} اگر ثابت نکرد طرف مقابل قسم اولیاد دم

می خورد و مرتکب قصاص می شود

اولیاد دم به مدعی آگاهی نسبت به موضوع هستند

مرتکب به مدعی عدم آگاهی نسبت به موضوع هستند

گفتیم که اصل بر آگاهی است

۱۱۶۲، ۸، ۱۰

Date:

Sat Sun Mon Tue Thu Wed Fri

Subject:

تفاوت جهل به حکم و جهل به موضوع

* جهل به حکم ← ادعای جهل نیز بر فتنه نیست ← فلذا اثبات جهل قصوری با آنست

* جهل به موضوع ← ادعای جهل در جایی که ثابت کرد جاهل بوده نیز فتنه است ← فتنی

بین جهل قصوری و جهل تقصیری هم نیست / بعد از اثبات جهل به موضوع مجازاً

وجود دارد فقط از عمدی بودن به خطی بود چشم می رسیم

کتاب خارج از درس

در دادگاه یک مدعی داریم منکر ← قاضی در ابتدا به مدعی می گوید بینه بیاور و حل

مدعی یا بینه دارد یا بینه ندارد اگر بینه داشت که هیچ اما اگر نداشت نوبت به منکر

می رسد منکر اگر بینه داشت می آورد و اگر نداشت منکر یا انکاری می کند یا رکوت می کند

یا انکاری می کند ← مدعی هم بینه نداشت باید منکر قسم بخورد ← منکر در جواب قسم

یا قسم می خورد یا رد قسم می کند یا نفل می کند ← منکر اگر رد قسم کرد، قسم به

مدعی می رسد و مدعی اگر قسم بخورد، دعوا ثابت می شود

م ۲۹۱ ق ۱۰۳ ← می گوید اگر منکر بجهل به موضوع دانسته باشد جریمش

شده عمد محسوب می شود

۳) سود نیت عام

سود نیت یعنی قصد فعل یعنی اراده به انجام عملی که می دانیم مانع وقوع کرده است
 به قصد ارتکاب رفتار مجرمانه هم سود نیت عام می گوئیم
 در تمام جرائم عمدی باید سود نیت عام وجود داشته باشد پس در قتل عمدی هم
 باید سود نیت عام وجود داشته باشد

آیا سود نیت عام باید در فعل باشد یا در ترک فعل هم باید وجود داشته باشد؟؟؟

وجود سود نیت عام باید هم در فعل و هم در قصد ترک فعل باشد

گفتیم که جرائم اقسامند
 مطلق ←
 مقید ←

★ مطلق جرائمی که صرف انجام عمل جسم بوده که ممکن است نتیجه به نتیجه

شود یا نشود مثل جعل اسکناس در جرائم مطلق وجود سود نیت عام کافیست

می کند و احتیاج به سود نیت خاص نداریم یعنی به عبارتی سود نیت خاص در جرائم مطلق جزو ارکان معنوی نیست

م ۱۴۴ ق ۱۰۳ ← علاوه بر علم مرتکب به موضوع باید قصد او در ارتکاب رفتار مجرمانه

احراز گردد در حقوق جزا رفتار مجرمانه مترادف با سود نیت عام می باشد

۱۴۰۲، ۸، ۱۰

Date:



Subject:

معموم در جرایم مطلق و معصوم در جرایم مقید باید سود سنتی عام و مورد داشته باشد.

و گفتیم در جرایم عمدی باید قصد رفتاری باشد نه احراز گردد.

بند الف ص ۲۹۰ ق ۱۰۳

در جرایمی که وقوع آن بر اساس عاقلان، منوط به نتیجه است قصد نتیجه یا وقوع آن

مقصد فعل
سود سنتی عام
مقصد نتیجه
سود سنتی خاص

درگاه مرتکب با انجام کاری مقصد ایراد جنایت بر فرد یا افرادی معین یا فرد یا

افراد غیر معین از یک جمع فرادار داشته باشد و در عمل نتیجه جنایت مقصود یا تقصیر آن

واقع شود، خواه کار ارتکابی نوعاً موجب وقوع آن جنایت یا نظیر آن باشد خواه

شود. لذا علم به وقوع ملامت سنتی طبق بند الف ص ۲۹۰ ق ۱۰۳

مقصد نتیجه ندادن ولی اگر انجام عمل را بکنی فرد کشته می شود فعل اینکه فردی را از طبقه

حسنتم ندادن ولی مقصد نتیجه نداشتن باشد

علم به وقوع در بند ب، ب و ت م ۲۹۰ ق ۱۰۳ وقوع برداشتی ندارد

مطلب ۲۹۰ ق ۱۰۳

سود سنتی خاص یا با مقصد نتیجه و یا عالم باشم که در نتیجه ی فعل ما این کار

انجام می شود.

جمله ششم

منظور از معین بودن درم ۱۰۴۰ ق. ۴۰۱. معین بود هدف یا معین بود
 هویب؟

منظور از معین بودن در این ماده ماقول معین بود هدف است

زیرا در ادامه عنوان کرده مزد یا افرادی از یک جمع ← لذا هویب مهم نیست
 و لاک هدف است ← به طور مثال اگر مزدی به صورت اشتباه به جای برسر
 جمهور، معاونش را تیر بزند در این جا این قتل خطای محض است ← چون
 نسبت به این مزد نه قصد داشتند نه قصد نتیجه

اشتباه در هویب باعث می شود قتل عمد محسوب نشود.

۳۰۲ ق. ۴۰۱. ← در موارد ذیل نیازی نیست شخصی نه دیده بدهد نه محاربا

می شود در این ماده اشتباه در مصداق و مفهوم مورد بررسی قرار خواهد گرفت

برخی از مصداق کُنده بودن

۱) گاهی به اعتبار و سلبه است ← مثل سم بسیار قوی

۲) گاهی به اعتبار موضع اصابت است ← مثل تیک به مغز و قلب

اما آنچه خواهیم برخی از مصداق رفتار کُنده را ببینیم کار است و منظور از کار

موجب جنابیت ہے فعلی کہ از طرف مرکب انجام شود و مغرب بہ حرکت شود
 (۳) گاہی بہ اعتبار سُدّت کار انجام سُدّه است مثل اینکہ باجوب با سُدّت بہ سکرگی

نزہتی و فرد بچہ در حالیکہ اگر با سُدّت نبود فرد ہی فرد
 (۴) گاہی بہ اعتبار و سلیہی نوعاً کُندہ است ہر چند کہ کیفیت عمل از گاہی خلی ضعیف

با سُدّے مثل کُندین فائزہی السلحہ یا دکمہی بچہ رافزار دھم ہے و این السلحہ و
 بچہ و سلیہ ای نوعاً کُندہ است۔

(۵) گاہی ترکیب از عمل مرکب و موضع مورد اصابت است ہے مثل فرولرد سوزن در قلب فرد

(۶) گاہی یک رفتار ذاتاً عنبر کُندہ با سُدّ ولی فرد در وضعیت ترکیب قرار میں دھد مثل حمل
 دادن آرام فزنی از بالای ساختمان پنج طبقہ

آیا علم مرکب بہ کُندہ بودن نوعی ذات ضرورت دارد؟

یعنی علم مرکب بہ کُندہ بودن باید اثبات شود
 اصل بر عدم آگاہی مرکب است (اسخ برای جایی است کہ نوعاً کُندہ بود برای حمد شناختہ

شدہ بنا سُدّت) ہر چند قانون گزار در تبصرہ یک م ۱۹۰ ق ۴۰ اعنوان نموده کہ اصل
 براگاہی مرکب است مگر اینکہ خلاف سُبّات شود (اسخ برای جایی است کہ نوعاً
 کُندہ بودن برای حمد شناختہ شدہ باشد)

★ در سبب ۱۰۴۹۰ م ۱۰۴۹۰ ← سُدّیت عام دارنتہ مقصد نتیجہ بنود ولی رفتار
 نسبت بہ افراد متعارف نوعاً کُندہ با سُدّے ہی بہ حرکت شود ہے در حکم عمد

★ در سبب ۱۰۴۹۰ م ۱۰۴۹۰ ← سُدّیت خاص ہے بحث اثباتی مفرح میں شود
 اور یاد دہم باید ثابت کند کہ حرکت ہی دانستہ ۱۳

★ تفاوت اساسی مذبذب و مذبذب م ۱۹۰ ق ۱۰۴

مذبذب م ۱۹۰ ق ۱۰۴ به مربوط به انسانهای متعارف

مذبذب م ۱۹۰ ق ۱۰۴ ← مربوط به انسانهای غیر متعارف (افراد خاص)

عوضه معنوی در بندت م ۱۹۰ ق ۱۰۴

قدس کستن است ولی هم قصد فعل هم قصد نتیجه دارد فرق با بند اول
مزد معین مورد نظر بود در بندت مزد معین مورد نظر نیست.

ولی در همین بندت م ۱۹۰ ق ۱۰۴ به هم مزد قصد فعل دارد و هم قصد
نتیجه مثل مزی که بهی را در مشرو منفی کنند.

★ عوضه دیگر رکن معنوی ← انگیزه

حرک مرکب به انجام اعمال محبوس است

انگیزه علی الاصول جز در اختیار قانونی حکم معنوی نیست (یعنی انگیزه
هر چه باشد در حقوق قتل عمدی ملاک نیست)

غفلت یک جا در بندب م ۱۹۰ ق ۱۰۴ ← اعتقاد و قائل؛ محدود الدم

بولان مقتول ← در این جا الزمیت ثابت است قتل شبه عمدی شود در این جا
انگیزه بسیار مهم است برای همین از حکمی علی الاصول استفاده کردیم در انگیزه
در این جا باعث می شود مجازات عمدی را به شبه عمد تبدیل می کند.

اصل بر عدم اشتباه است و مرکب باید اشتباه را ثابت کند

اصل بر عدم انگیزه است اولیاد هم باید انگیزه داشته باشند

شروع به جرم

ماده ۱۲۲ ق.م.ا.

هر کس قصد ارتکاب جرمی کرده و شروع به جرم نماید، لکن به واسطه عامل خارج از اراده او قصدش معلق نباشد به شرح زیر مجازات می شود.

الف) در جرایمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، حبس دائم یا حبس تعزیری درجه یک تا سه است به حبس تعزیری درجه چهار

ب) در جرایمی که مجازات قانونی آنها قطع عضو یا حبس تعزیری درجه چهار است به حبس تعزیری

ج) در جرایمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات یا حبس تعزیری درجه پنج است به حبس تعزیری یا سلب حیات یا حبس نقدی درجه شش

تبصره: هرگاه رفتار ارتکابی، ارتباط مستقیم با ارتکاب جرم داشته، لکن به جهات مادی که مرتکب از آنها بی اطلاع بوده وقوع جرم غیر ممکن باشد، اقدام انجام شده در حکم شروع به جرم است.

شروع به جرم، جرم نسبت مگر در موارد شماره ۱۲۲ قانون مج.ا. (↑)

پس شروع به جرم، مجازات ندارد مگر در این موارد ذیل ماده ۱۲۲ ق.م.ا.

و جایی که قصد معلق می شود

هر جرمی که مجازاتش سلب حیات باشد، شروع به جرم آن مجازات دارد.

در جرایمی که قطع عضو، مجازات قانونی است مثل سرقت، شروع به جرم آن مجازات دارد پس زمانی شروع به جرم، جرم است که شامل موارد فوق شود در همه جا اصل بر

عدم جرم است ۳۳



۱۳۰۲، ۹

لذا در این جرم شروع به اینها جرم محسوب می شود به سبب به شروعی که خاتمه اش خارج از اراده می خودش باشد

ست

تفاوت م ۱۳۱۳ ق ۳۰۰ مقدم با م ۱۳۱۲ ق ۳۰۰ محسوب ۱۳۹۲ م در مجازات ا

۱۳۰۲، ۹

حک هفتم

مباشرت و تشبیب و اجتماع سبب و مباشرت

ست

کس که عناصر ترکیب دهنده می جرم قتل عمدی در وی جمع شده باشد فاعل جرم قتل عمدی است

عناصر سه گانه جرم قتل
عذر مجادی
عذر معنوی
عذر قانونی

قانونگذار در مجرای موجدیات زمان گفته عمل به سه شکل قابل انجام است

یا عمل فعل باشد یا ترک فعل باشد یا نتیجه مستند به رفتار مرتکب باشد

جه به نحو مباشرت چه تشبیب چه اجتماع آنها

م ۱۳۹۲ ق ۳۰۰

جنایت در صورتی موجب قصاص یا دیه است که نتیجه حمله مستند به رفتار مرتکب باشد اعم از آن که به نحو مباشرت انجام شود یا به تشبیب یا به اجتماع آنها انجام شود

مباشرت م ۱۳۹۳ ق ۳۰۰

تشبیب م ۵۰۶ ق ۳۰۰

جمع سبب و مباشرت م ۱۳۱۱ ق ۳۰۰

ارکاب جنایت م ۱۳۹۲ ق ۳۰۰

۳۴

جباہرت ← م ۱۳۹۴ ق ۱۰۳ ← جباہرت آن است کہ جنایت مستقیماً توسط خود جانی واقع شدہ باشند۔ مثل اینکه باہمت دیکری را بہ قتل رسانند۔

تسبیب ← م ۵۰۶ ق ۱۰۳ ← تسبیب در جنایت آن است کہ کسی بہ تلف شدن یا مصدریت دیکری را فراهم کند و خود مستقیماً مرتکب جنایت نشود بہ طوری کہ در صورت فقدان رفتار او جنایت حاصل نمی شود۔ مثل اینکه چاهی بلندی و کسی در آن بپفند و آسیب ببیند۔
(ارتکاب جنایت تسبیبی ممکن است عمدی یا غیر عمدی باشند۔)

قاعدهی آلف ناقصہ: ہمیشہ موضوع است → آلف بالمبارکہ ← قاعده آلف
آلف بالتسبیب ← قاعده تسبیب

جباہرت ← فرد الف ← الراء شوندہ
تسبیب ← فرد ب ← الراء کنندہ

نظر دیکر آثاری نیا

مزدج ← مفعول

الراء محقق باشد ← الراء کنندہ چون سبب اقوی محسوب می شود و با اقدام خود موجب سلب اختیار الراء شوندہ را فراهم ساختہ قائل محسوب و بار عایت سلب عصاص می شود۔

هر گاہ کسی دیکری را بہ رفتاری الراء کند کہ موجب جنایت بر الراء شوندہ گردد، جنایت عمدی است و الراء کنندہ عصاص می شود۔

سببیت بین آلف بالمبارکہ و بالتسبیب

در هر دو علم و عمد در ایجاد مسئولیت هیچ تائیدی ندارد و حتماً آلف بالمبارکہ و بالتسبیب با هم آلف بالتسبیب باشند۔

تفاوت آلف بالمبارزه با آلف بالتبیه

۱) آلف بالمبارزه فقط از طریق فعل انجام می شود
آلف بالتبیه هم از طریق فعل انجام می شود و هم از طریق ترک فعل

۲) مبنای مسئولیت در مبارزه به خطرات است به براساس مبنای خطر غرض مطلقاً
خاص است چه ترک فعل بوده باشد چه نه باشد
مبنای مسئولیت در تبیه به تقصیر است به براساس آن زمانی فرد ضامن است
که حاصل شدن نتیجه بخاطر قصور غرض بوده است

در آلف بالمبارزه مستقیم است در آلف بالتبیه غیر مستقیم است
درجه تبیه حتماً باید تقصیر اثبات شود

آلف به اجتماع تبیه و مبارزه شُرکت در قتل

در حقوق به آن شُرکت در
قتل می گویند

زمانی حقوق پیدامی کنند ضرب و جرح نکرده باشند از یک نفر باشند و (نتیجه و مشول)
ترک هم زمانی است که مستند به مشتبیه به رفتار هم می آنها باشد
مثلاً نفر به جان یک نفر می افتند و او را با چاقوی زنند در این جا قتل به عهده می
کسی است که باهنر به بی چاقوی او فرد فوت کرده باشد ولی اگر قابل شخص
نباشد در این جا شُرکت در قتل است
پس لازم می شُرکت در قتل این است که قتل مستند به عمل هم می مداخله کنند
باشند

شرکت در قتل

مداخله‌ی عمدی پیش از یک نفر در سلب عمدی حیات از دیگری پس نتیجه باید حاصل از رفتار هر یکی آنها باشد

م ۳۹۸ ق ۱۰۳۰ م ۳۷۴ ق ۱۰۳۰ احکام شرکت در قتل را می گوید.

نکته: برای تحقق شرکت در قتل صرف مداخله در عملیات اجرایی کافی نیست بلکه باید وقوع جرم مستند به رفتار کلیه مداخله کنندگان باشد

اگر فقط برخی از آسیب‌هایی که به فرد وارد کرده اند موجب قتل او گردد فقط وارد کنندگان این آسیب‌ها، شرک در قتل هستند و دیگران به قصاص عضو یا

پرداخت دیه محکوم می شوند م ۳۹۸ ق ۱۰۳۰

کسی که کسی را آسیبی به فردی وارد کند و بعد از آن دیگری او را به قتل برساند عامل همان فرد است حتی اگر آسیبی اول به تنهایی موجب حث می گردد و نفر اول فقط به قصاص عضو

محکوم می گردد م ۳۷۱ ق ۱۰۳۰

هرگاه کسی آسیبی به دیگری وارد کند به طوری که او را در حکم مرده قرار دهد و فقط آخرین رمق حیات در او باقی بماند و در همین حال فرد دیگری با انجام رفتاری به حیات غیر مستعد او پایان دهد نفر اول قصاص می شود و نفر دوم به مجازات جنایت بر میت

محکوم می گردد م ۳۷۲ ق ۱۰۳۰

نکته: م ۳۷۱ و ۳۷۲ ق ۱۰۳۰  کرده ماهیت شرکت در قتل نیست

رکن مادی شرکت در قتل

شرکت در قتل ← زمانی تحقق می یابد که فردی در اثر ضرب و جرح عده ای کشته شود و مرتکب او به دلیل عمل همدمی آن افراد باشد و مرتکب نمی کند که عمل هر کدام از آنها به تنهایی موجب مرتکب او می شود یا نمی شده است کار آنها مادی بوده یا مفاد است بوده
 لذا با توجه به این که احزاب و گنجه مادی در شرکت در قتل را می توان این گونه بیان نمود:
 ۱- باید بیش از یک نفر باشد ← ضرورت مشارکت بیش از یک نفر

* آیا همدمی رفتارها باید همدم به صورت مباشرت باشد یا سبب؟

گاهی اسباب اقوی از مباشرت می شوند مثل اینکه دیوانه ای را تحریک می کنند دیگری را بکشد و چندین نفر او را تحریک می کنند در این جا اسباب اقوی تر از مباشرت هستند.

۲- مرتکب باید نتیجه ای مجموع اعمالی از تکالیف چند نفر باشد

تعداد مشارکت کنندگان در قتل مهم نیست باید دید آیا نتیجه مستند و مرتباً رفتار آنها هست یا خیر؟

۳- علم اجمالی کفایت می کند.

۴- شدت و ضعف ضربات شرکاء تأثیر ندارد.

۵- تقارن زمانی و مکانی برای شرکت در قتل مهم نیست و مافض برای تحقق شرکت در قتل می باشد

← آلوده

رکن معنوی شرکت در قتل

۱- علم به حکم

۲- علم بر موضوع

۳- سوء نیت - عام

۴- سوء نیت - خاص

تمام مواردی که در قتل نفسیم در شرکت در قتل هست همه باید این موارد در رکن معنوی

رادا شده باشند

تفاوت رکن مادی با رکن معنوی

- ۱- هر یک از شرکاء باید رکن معنوی مستقل داشته باشند بخلاف رکن مادی شرکت در قتل
- ۲- تبانی لازم نیست ← (تبانی شرط حقوق شرکت در قتل عمدی نیست)

انطباق رکن معنوی

انطباق رکن معنوی شرکاء ضروری نیست، رکن معنوی هر یک از شرکاء معلن است مصداق

یکی از موارد ۲۹۰ ق. ۱۰۳ باشد

- ۱- قصد نتیجه ۲- انزاع کننده ۳- انزاع نسبت به این فرد و عاقلاننده باشد

۴- بدون قصد فرد معین مرتکب قتل شده

آیا همی شرکاء لازم است عنصر معنوی عمدی باشند؟

لازم نیست که همی شرکاء عنصر معنوی جرمشان عمدی باشد یعنی این احتمال وجود دارد که

۱۴۰۲، ۹، ۱

زقار نسبت به یکی از شرکاء عمدی و نسبت به شریک دیگر غیر عمدی باشد.
م ۳۹۹ ق ۱۰۳ ← قتل یا هر جنایت دیگر، می تواند نسبت به هر یک از شرکاء حسب مورد عمدی، شبه عمد یا خطای محض باشد.

م ۳۷۳ ق ۱۰۳ ← ثابت نبودن حق قصاص بر بعضی از شرکاء به هر دلیل مانند فقدان شرطی از شرایط معتبر در قصاص یا غیر عمدی بودن جنایت نسبت به او، مانع از حق قصاص بر دیگر شرکائیت و هر یک از شرکاء حکم خود را دارند.

۱۴۰۲، ۹، ۱

جلب و حشم

مجازات شرکاء در جرائم قتل عمد

اگر چند نفر در قتل شرکت داشته باشند اولیاء دم می توانند همگی را به شرط فاضل دیه قصاص کنند.

در کتب فاضل دیه ← هر فردی به میزان قصورش باید دیه بدهد و به میزان عدم قصورش دیه دریافت می کند.

در صورت قصاص ← فردی که قصاص می شود به میزان عدم قصورش دیه دریافت می کند

در صورت عفو اولیاء دم ← فردی که توسط اولیاء دم عفو می شود به میزان قصورش باید دیه پرداخت کند

م ۳۷۳ ق ۱۰۳ ← در موارد شرکت در جنایت عمدی، حسب مورد، مجنی علیه یا اولی دم می تواند یکی از شرکاء در جنایت عمدی را قصاص کند و دیگران باید بلافاصله سهم خود را از دیه به قصاص شوند و بپردازند و یا این که همه شرکاء یا بیش از یکی از آنان را قصاص کند

مشروط بر این که ما زاد در خجایت پیدا کرده را پیش از قصاص، به قصاص شوندگان ببردارد، اگر قصاص شوندگان محمدی شرکاء نباشند، هر یک از شرکاء که قصاص نمی شود نیز باید سهم خود را از دیر خجایت را به نسبت تعداد شرکاء ببردارد.

مثلاً در صورتی که حمید، سعید و حمید هر سه با هم اکبر را قتل رسانند اولیاد هم اکبر می توانند، یکی را انتحاب کنند و قصاص شود و نفر را عفو کنند در این حال آن دو نفری که عفو می شوند هر کدام باید؛ میزان قصورشان مثلاً $\frac{1}{3}$ به مزدی که قصاص می شود دیر برداشت کنند ← زیرا بحث ما مشارکت در قتل می باشد.

تکلیف حائز اهمیت در ماده ۱۷۳ آق ۴۱

المرتجی علیہ یا اولیاد هم، خواهان قصاص برخی از شرکاء باشند و از حق خود نسبت به برخی دیگر محجانی گذشتند یا با آنان مصالحه نماید، در صورتی که دیر قصاص شوندگان پس از سهم خجایت آن ببارد، باید پس از قصاص، هزارادریه آنها را با قصاص شوندگان ببردارد.

سهم شرکاء در دیر یافت دیر مساوی است و میزان آن برابر است با میزان بی تقصیری آنها در تحقق نتیجه **بنابر این** ← وقتی دو نفر مرتکب قتل می شوند هر یک از آنها یک دم گناهکار و یک دم بی گناه بوده است.

★ ولی دم می تواند برخی از شرکاء در قتل را با برداشت دیر مذکور در این ماده قصاص نماید و از تقبیه شرکاء نسبت به سهم دیر اخذ نماید.

اگر اولیاد دم از قصاص گذشت کند و دیه نخواهند آید یا رضایت قائل یا قائلان

شرط است؟؟؟

م ۳۵۹ ق ۱۰۴

در موارد ثبوت حق قصاص، اگر قصاص مشروط به رد ماضی دیه نباشد
عجنی علی یا اولی دم، نهضاتی تواند قصاص یا گذشت نماید و اگر خواهان دیه باشد، نیاز به
مصالحه با مرتکب و رضایت او دارد.

رضایت قائل برای گذشت یا قصاص مشروط است البته در جایی که بحث ماضی دیه
مطرح نباشد.

م ۳۶۰ ق ۱۴

در مواردی که احب برای قصاص، مستلزم پرداخت ماضی دیه به قصاص
شونده است، صاحب حق قصاص، همان قصاص بار در ماضی دیه و گرفتن دیه مقرر در هر
قانون ولو بدولت رضایت مرتکب عجز است.

* در این ماده اگر مستلزم رد ماضی دیه باشد و اولیاد دم نخواست قصاص کند و دیه را

خواست رضایت قائل یا قائلین شرط است.

از لحاظ ترتیب چگونه است؟؟؟

اول ماضی دیه و بعد قصاص صورت میگیرد و در صورتی که قبل از پرداخت ماضی دیه و بدو
رسیدگی دادگستری اولیاد دم اقدام به قصاص کنند چه در این جا اولیاد دم عجز می شوند.

طبق م ۳۵۹ ق ۱۰۴
به حالت برای اولیاد
دم وجود دارد

۱- قصاص

۲- گذشت

۳- دیه رضایت قائل مشروط است

۱۴۰۲، ۹، ۱

قصاص کنند و فاضل دبه را پرداخت کنند در صورت در قتل

طبق م ۱۰۳۰ ق ۱۰۳

اولیاء دم می توانند یا

قصاص کنند و دبه مقدر در قانون را دریافت کنند و رضایت

قاتل یا قاتلین شرط نیست.

نکته

یکی از موارد پرداخت دبه از بیت المال درجاء است که جنایت، احساسات عمومی را جریحه دار کند یا نظم و امنیت عمومی را بر هم بزند و مصلحت هم در اجرای قصاص باشد و خواهان قصاص هم ممکن پرداخت فاضل دبه را نداشته باشد دادستان درخواست می دهد به رئیس قوه قضائیه و بعد از تأیید رئیس قوه قضائیه دبه از بیت المال پرداخت می شود

نکته بعد این که

* در مواردی که محکوم به قصاص در زندان است و صاحب حق قصاص بده عذر موجه یا به علت

ناتوانی در پرداخت فاضل دبه یا به جهت انتظار برای بلوغ یا افاقت ولی دم یا مجنون علیه مرتکب را در وضعیت نامعین رها نماید با تکلیف محکوم علیه از این امر

دادگاه صادر کننده حکم، مدت مناسبی را مشخص و به صاحب حق قصاص اعلام می کند تا ظرف مهلت مقدر یا گذشت کند یا مصالحه نماید یا نسبت به اجرای قصاص اقدام

کند در صورت عدم اقدام او در این مدت، دادگاه می تواند بعد از تعیین تعیین تکلیف

گذشتن مدت زمان آن با اخذ وثیقه و تأیید رئیس حوزه قضائیه و رئیس کل

دادگستری استان، تعیین تکلیف از سوی صاحب حق قصاص، مرتکب را آزاد کند.

م ۴۶۹ ق ۱۰۳

بالمباشره
بالتسبیب

جنابیت معلن است یا
۴ ۵۲۶ ق ۱۰۴۰

اجتماع سبب و مباشرت باشد **هر کس جنابیت مستند به**

او بود ضامن است **در حین وقتها می توان شخص دیگری**
جنابیت مستند به رفتار کدام است سبب یا مباشرت

گاهی نمی توان تشخیص داد جنابیت مستند به رفتار کدامیک (سبب یا مباشرت) است

یا تشخیص هم جنابیت مستند به تمام احوال باشد **در این جا هر دو طرف ضامن**

هستند اما بر فرض جلها ممکن است تا سبب رفتار حرکتی با هم تفاوت داشته باشند

در این جا به ماخذ تا سبب رفتارش مقصر است و به میزان تقصیرش ضامن است

*** در جایی که سبب اقوی از مباشرت باشد مثلا در جا که مباشرت بی اختیار باشد یعنی اگر**

دارسته باشد یا جاهل باشد یا ضعیف هم می باشد یا مجنون باشد در این جا سبب اقوی

از مباشرت است و سبب ضامن است

در حکم خود کسی

الراه معلن است در خود کسی باشد **در این جا بس فقرا اختلاف نظر وجود دارد**

اما قانون گذار در م ۳۷۹ ق ۱۰۴۰ **حکما کسی دیگری را به رفتاری الراه کند که**

موجب جنابیت بر الراه شود **در جنابیت عمدی است و الراه کننده عیاص می شود مگر الراه**

کننده قصد جنابیت بر او نداشته و آگاهی و توجه به این که این الراه نوعا موجب جنابیت بر او

می شود نیز نداشته باشد که در این صورت جنابیت **سبب عمدی است و الراه کننده به برداشت**
دیة مکملوم می شود **نظر غالب حقوق دانان این است که الراه رافع مسئولیت است ۴۴۰**

بلفتم

معاونت در جرم

تجلی خارجی رفتار مجرمانه

معاون در جرم ← کسیکه مستقیماً در عنصر مادی جرم مداخلت نداشته باشد و از طریق تحریک، تهدید، تطبیع، فریب و غیره و ایجاد تسهیلات در وقوع جرم و اراده‌ی راهکار و سود استفاده از قدرت و... زمینه‌ی ارتکاب جرم را فراهم کرده است مثلاً فردی اسلحه خریده و دیگران را تحریک به عمل کرده باشد.

★ در معاونت در جرم، آیا معاون در عملیات اجرایی جرم دخالت دارد؟ حتماً

معاون در جرم یعنی کسیکه مستقیماً در عنصر مادی جرم مداخلت نداشته باشد و فقط زمینه را برای ارتکاب جرم فراهم کرده باشد.

معاونت در جرم ← در همدی جرائم وجود دارد و قابلیت تحقق دارد اعم از حدود و تعزیرات و دیات

معاونت در جرم ← در نظام حقوقی ما جرم شناخته شده و هر کس در جرم شرکت داشته باشد باید مجازات شود

(عنصر مادی و معنوی مثل همان قتل است)

لذا در آن باید سود نیت عام و سود نیت خاص وجود داشته باشد همچنین علم به موضوع و علم به حکم...

افراد زیر معاون در جرم محسوب می شوند

م ۱۲۶ ق.م.ا

الف هر کس دیگری را ترغیب، تهدید، تطبیع یا تحریک به ارتکاب جرم کند یا با وسایلی



فرب یا سود استفاده از قدرت، موجب وقوع جرم گردد.
پس هر کس وسایل ارتکاب جرم را باز یا تحب کند یا طریق ارتکاب جرم را به
هر تنگ ارائه دهد

عصفا قانونی
معاونت در جرم هم تابع ماده ۱۲۶ ق.م.ا.م می باشد.

مجازات معاونت در جرم

قانونگذار ۲ فرض گذاشته

۱- جایی که قاتل (یا فاعل) قصاص یا حبس ابد شود م ۱۲۷ ق.م.ا.

هرگاه مجازات مرتکب قتل عمدی، قصاص یا حبس ابد معاون به حبس تعزیری درجه ۲ یا ۳ محکوم می شود (یعنی بیش از ۲ تا ۵ سال یا بیش از ۱ تا ۵ سال)

۲- جایی که قاتل (یا فاعل) قصاص شود م ۱۲۷ ق.م.ا. م بندت

تا در جرائم موجب تعزیر یک تا دو درجه یا بیش تر از مجازات جرم ارتکابی
بنا بر این

مجازات درجه ۲ یا ۳ معاون در جایی است که قاتل یا فاعل قصاص شود
و مجازات درجه ۳ تا ۵ در جایی است که قاتل یا فاعل قصاص نشود
مجازات درجه ۴ ← ۳ تا ۱۰ سال حبس برای فاعل دو درجه یا بیش تر برای معاون
درجه ۵ ← ۲ سال تا ۵ سال حبس درجه ۶ ← ۹ ماه تا ۲ سال حبس

گفتیم که الفاعل قصاص نشود مجازات معاون کمتر می شود و به درجه ۵ و ۶
تقلیل پیدا می کند ← تقلیل **clips** مجازات معاون یک حکم قانونی است
۱۴۶

و اعمال نیازی به گذشتگی از معادل ندارد.

آیا گذشتگی ولی هم از معاون، تأثیر دارد و باعث سقوط مجازاتی شود یا خیر؟

خیر، فقط قاضی می تواند مجازات مستر را اعمال کند م ۳۷ و ۳۸ ق ۱۴۰۱

تفسیر ۱ م ۱۲۷ ق ۱۰۳

در صورتی که به هر علت قصاص نفس یا عضو اعیان شود، مجازات معاون بر اساس میزان تعزیر فاعل اصلی حکم، مطابق بند (ت) این ماده اعمال می شود

بنابراین مرجع صالح که قصاص را تبدیل به حبس کرده باید بر اساس شرایط جدید برای معاون حکم صادر نماید و احتیاجی به درخواست غرض ندارد و قاضی در مورد بالای خودش بایستی مجازات را تقلیل کند.

در صورت تعارض بین فقه و حقوق در بحث معاونت - ۲ تقصیر وجود دارد:

تقریب اول: برخی می گویند مجازات معاونت در قتل حبس تعزیری درجه ۲ و ۳ و ۴ در مواردی خاص است اگر مجازات شرعی وجود دارد باید آن را اجرا کرد وقتی در قانون مجازات برای هم معاونت وجود دارد اصلاً به مجازات شرعی مراجعه نمی کنیم فقط در جایی که قانون ندارد به شرع مجازات شرعی می رویم

تقریب دوم: هرگاه نوبت به اعمال م ۱۲۷ ق ۱۰۳ رسید تقدم با مجازات های قانونی است

مجازات قتل عمدی م ۳۸۱ ق ۱۰۳

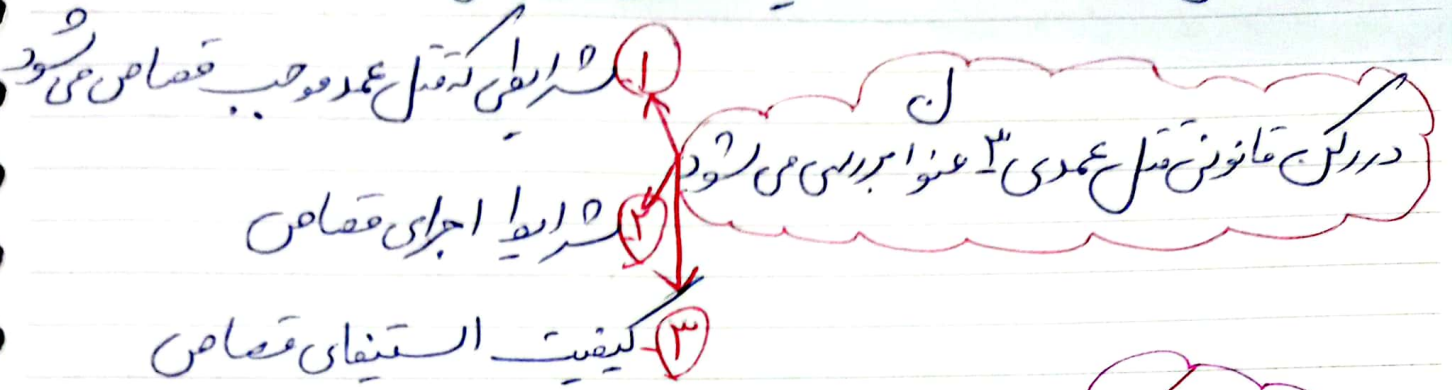
مجازات قتل عمدی در صورت تعاضلی ولی هم وجود سایر شرایط مقرر در قانون، قصاص و در غیر این صورت مطابق مواد دیگر این قانون از حیث دیه و تعزیر



عبارت برگردد ۳۷

آیا قتل عمدی موجب قصاص است یا خیر؟

خسیره قتل عمد باید بی شرایطی برای فاعل یا مفعول داشته باشد.



۱- شرایطی که قتل عمد موجب قصاص می شود

در قتل عمدی که مجازات قصاص دارد، قائل باید بلوغ و عقل داشته باشد (ملاک بلوغ زمان ارتکاب قتل است) و قائل نباید در یا جدیدی مقول باشد.

مذبذب م ۱۴۵ ق م ۱ ← جنایتی که صغیر یا مجنون انجام می دهد خطای محض است
م ۱۴۶ ق م ۱ ← افراد نابالغ مسئولیت کیفی ندارند

م ۱۴۷ ق م ۱ ← سن بلوغ در دختران و پسران ۹ و ۱۵ سال تمام قمری است
در صورت ارتکاب جرم توسط افراد نابالغ اقدامات تربیتی برای آنان انجام می شود.

تفسیر ۱ م ۱۸۱ ق م ۱

دادگاه می تواند با توجه به وضع متهم و جرم ارتکابی، به جای صدور حکم به مجازات نگره داری یا حبس برای نقدی موضوع بند های الف تا پ این ماده، به اقامت در منزل در اعانتی که دادگاه معین می کند یا به نگره داری در مکانی اصلاح و تربیت در دو روز آخر هفته حسب مورد برای سه ماه تا پنج سال حکم دهد

۳ ۳۰۸ ق ۱۰۴

المرتب من از حقوق و بردن به وسیله مقام قضایی در بالغ یا عامل بودن مرتکب، هنگام ارتکاب جنایت، تردد وجود داشته باشد و ولی دم یا محض علیه ادعا کند که جنایت عمدی در حال بلوغ وی یا افاقه او از جنون سابقش انجام گرفته است لکن مرتکب خلاف آن را ادعا کند ولی دم یا محض علیه باید برای ادعای خود بینه اقامه کند در صورت عدم اقامه بینه، قصاص منتفی است.

اگر حالت سابق بر زمان جنایت، افاقه مرتکب بوده است، مرتکب باید جنون خود در حالت ارتکاب جرم را اثبات کند تا قصاص ساقط شود در غیر این صورت با سوگند ولی دم یا محض علیه یا ولی او قصاص ساقط می شود

✓ گاهی می دانیم مرتکب غیر بالغ است ← بحث نیست

✓ گاهی می دانیم مرتکب بالغ است ← باز هم بحثی نیست

✓ گاهی نمی دانیم مرتکب بالغ است یا غیر بالغ ← در این جا اولیاء دم می گویند

مرتکب یا قائل بالغ بوده و قائل می گوید نابالغ بوده است ← اصل بر عدم بلوغ است و اولیاء دم باید ادعای خودشان را ثابت کنند

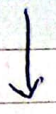
★ قائل باید عامل باشد ← چنانچه مرتکب در زمان ارتکاب، جنون باشد

قتل او خطای محض محسوب می شود ← م ۱۴۹ ق ۱۰۴

۱۳۹۲، ۹، ۲۲

الترکافی شک کرده مرتب در زمان ارتکاب جرم عاقل بوده یا مجنون؟

اولیاء دم می گویند: در حالت افاقه بوده قائل می گوید در حالت مجنون بوده



در این جایگاه حالت (۱) حالت سابقه افاقه است و بعد مجنون ← اصل بر افاقه

وجود دارد است و قائل باید مجنون را ثابت کند

(۲) حالت سابقه مجنون بود و شک داشتیم که بعد یافته یا

مجنون دارد ← اصل بر مجنون است و اولیاء دم باید افاقه را ثابت کنند.

* قصاص در صورتی ثابت می شود که قائل پدر یا جد پدری مقتول نباشد

و عجازات پدر یا جد پدری هم آن دیه یا نفیزه است *